



نوسازی حرکت جامعه در رویکرد به فقه ضرورتی جدی است

حضرت آیت الله سبحانی در پیامی به همایش ملی فقه و مسائل مستحدثه گفت: تنها حوزه‌ها نیستند که باید فقه آل محمد (ص) را گسترش دهند، جامعه نیز باید افق‌های نگاه فقهی خود را به سمت حکمت جویی فقهی که در لسان شریعت از آن به علل الشرایع نام به میان آمده رونق بخشد.

حضرت آیت الله سبحانی در پیامی به همایش ملی فقه و مسائل مستحدثه گفت: تنها حوزه‌ها نیستند که باید فقه آل محمد (ص) را گسترش دهند، جامعه نیز باید افق‌های نگاه فقهی خود را به سمت حکمت جویی فقهی که در لسان شریعت از آن به علل الشرایع نام به میان آمده رونق بخشد.

به گزارش شبکه اطلاع رسانی اجتهاد، حضرت آیت الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید در پیامی به همایش ملی فقه و مسائل مستحدثه مازندران که از سوی حسن مبینی قرائت شد، گفت: تنها حوزه‌ها نیستند که باید فقه آل محمد (ص) را گسترش دهند که جامعه نیز باید افق‌های نگاه فقهی خود را به سمت حکمت جویی فقهی که در لسان شریعت از آن به علل الشرایع نام به میان آمده رونق بخشد.

متن این پیام بدین شرح است: علم فقه از آن جهت در زمره علوم عملی می‌گنجد، همواره در معرض پویش و گسترش قرار داشته است. هر چند در توضیح دلایل این گسترش پذیری تاریخی می‌توان به عوامل متعددی اشاره نمود، ولی در صدر همه این عوامل، عامل مواجهه فقه با پدیده‌های نو شونده و روز آمد جای گرفته است. مواجهه فقیه با مسائل نوآمد نقش گلوگاهی را ایفا می‌کند که فرایندهای فقهی با بهره‌گیری از شناخت آنها به تعیین مسیر خود در فضاهاى جدید همت می‌گمارد.

آنچه این عامل مهم را همواره رونق و قوت بخشیده است، این که فقیهان بی تفاوت باقی ماندن و به پاسخ روی نیاوردن در برابر مسائل جدید را قبل از هر چیز، با رسالت‌های دینی و فلسفه وجودی فقه ناسازگار می‌دیده‌اند بدین ترتیب باید اذعان کرد:

اولاً: تاریخ، همواره شاهد جریان پیوسته و فراگیر اجتهاد و افتاء در قبال مباحث نوآمد و به تعبیر فقهی مسایل مستحدثه بوده است. ثانیاً: مواجهانی از این دست، نه تنها به توسعه خروجی‌های فقهی و بسط دامنه‌های آن به مسائل نو انجامیده است که در فرایندی پیوسته به گسترش ادبیات روش شناختی فقهی نیز منتهی شده است، به تعبیر دیگر در عمل نه تنها دایره افتاء که شیوه‌ها، اندیشه‌ها و نظریه‌های پیرامون آن نیز بسط و ارتقاء یافته است. به بی‌راهه نرفته ایم اگر فقه را در زمره پیوسته‌ترین دانش‌ها با مناسبات پیرامونی طبقه بندی کنیم.

ثالثاً: در کنار امعان نظر در این نکته مهم و دقیق روش شناختی باید به ماهیت قدسی فقه نیز اشاره ای جدی و جانمایه دار داشته باشیم. فقه، در معنای دقیق کلمه، به کشف حکم خدا در قبال مباحث مرتبط با زندگی فردی و جمعی انسان مبادرت می‌ورزد. به دیگر سخن، نفس عمل فقیهانه، اگر چه انسانی است، اما فقه از آن جهت که دغدغه شناخت نسبت به وضعیت‌ها و موقعیت‌هایی را دارد که در نهاد خویش ربانی هستند. از این خاستگاه است که منابع فقه را نه تجربه و علم بشری که کلام وحیانی متبلور در قرآن و سنت تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب سنخ شناسی فقه تفاوتی جدی با دیگر دانش‌ها می‌باشد. این دانش از يك سوی به جد با مناسبات عصری در آمیخته است و از این خاستگاه عمیقاً با مسایل مستحدثه مرتبط می‌گردد و از سوی دیگر اصولاً دغدغه‌ای فرابشری و ربانی دارد. چنین وضعیت دقیقی برخوردی فنی، عالمانه و دانش پایه را با عرصه فقه، طلب می‌کند. در واقع رویکرد به فقه باید از دل سنتی عالمانه و مبتنی بر روشمندی ویژه برخیزد و در امتداد زنجیره ای از تاملات دقیق اندیشانه فقیهان این عرصه شکل گیرد. این جا است که می‌توان رابطه فقه و تاریخ پر بار آن را نیز مشاهده و رصد نمود.

چهارم: مشعر به آن چه آمد می‌توان مباحث فقهی را در يك طبقه بندی به سه دسته اصلی تقسیم نمود:

- مسایل کهن و پایه‌ای فقهی

- مسایل عصری و مستحدثه اعصار پیشین، که امروزه دیگر لباس تو را بر تن ندارند

- و مسایل مستحدثه معاصر

دسته نخست در صدر مباحث پر اهمیت فقهی می‌نشینند و به دلایل مضمونی و روشی از اهمیتی متفاوت با دیگر حوزه‌ها برخوردار می‌گردند. در واقع مراجعه به دیگر حوزه‌های فقهی نمی‌تواند فارغ از بنیادهایی رخ دهد که در تجربه علمی و عملی مواجهه اصیل فقیهانه با این گروه از مباحث به دست می‌آید. این بخش عمده تراث به جای مانده از ائمه (ع) در عرصه فقه آموزی تلقی می‌گردد و با ادبیات 171#&«القاء الأصول» شناخته شده است.

دسته سوم (یعنی مسائل مستحدثه معاصر) نیز جایگاه جدی خود را دارند و پس از دسته اول از بیش‌ترین اهمیت برخوردار می‌گردند. چه آن که پاسخگویی فقه به این گروه از مباحث به کار آمدی هر چه بیشتر فقه می‌انجامد و رسالت‌های در پی فقه اندیشی را در زمان حال و دوره کنونی پاسخگو می‌گردند.

اما دسته دوم عمدتاً از آن جهت اهمیت می‌یابند که منطق مواجهه جانمایه دار به مباحث نوشونده و عصری را به ما نشان می‌دهند. به دیگر مراجعه ما به این دسته، در بخش قابل توجهی از مواقع، از جنس تاملات فنی در حوزه علم جای می‌گیرد و به دلیل شناخت

امری مشعر به امر دیگر و وضعیتی منجر به موقعیتی تازه تر انجام می گیرد. به این ترتیب باید گفت که نگاه به مباحث مستحدثه از يك سوی، به طراز تاریخ و توجهات آن در دو حوزه مسایل پایه ای فقه(دسته نخست) و تجربه فقیهان گذشته در مواجهه با مباحث مستحدثه(دسته دوم) وابسته است و از سوی دیگر به تاملات منجر و منتهی به فهم شرایط جدید پیش روی فقه نظر دارد. آنان که به بهانه عصری بودن فقه، پرداخت به مسائل گذشته را غیر مهم و یا غیر ضروری می پندارند، چشم به روی این حقیقت پوشیده دانسته اند که روش شناسی فقهی در دل تاریخ این مسائل نهفته مانده اند، و با احیای این مسائل و به بحث گذاشتن آنها است که روند دستیابی به مضامین روشی فقه هموار می گردد. پنجم: امروز که جامعه در سایه رهنمودهای مقام معظم رهبری در مسیر پویایی و رشد علمی و به تبع آن شکوفایی های عملی و اجتماعی قرار گرفته است، نیاز به فقه و حضور حداکثری آن در جامعه و مسائل نوپیدای آن از هر وقت دیگری بیشتر می نماید. امروزه چهار گستره مضمون سازی جدید فقهی، شیوه شناسی فقهی، ادبیات گستره فقهی، و نوسازی حرکت جامعه در رویکرد به فقه ضرورتی جدی یافته است تنها از این رهگذر است که جامعه تحول یافته ایران اسلامی می تواند به نیازهای حقوقی خود دست یابد. سخن نهایی این که این تنها حوزه ها نیستند که باید فقه آل محمد ص را گسترش دهند که جامعه نیز باید افق های نگاه فقهی خود را به سمت حکمت جویی فقهی که در لسان شریعت از آن به علل الشرایع نام به میان آمده رونق بخشد.

منبع: خبرگزاری رسا